

## بررسی عوامل مرتبط با نگرش جوانان شهر یزد به آسیب‌های احتمالی روابط دختر و پسر<sup>۱</sup>

سیدعلیرضا افشانی<sup>۲</sup>  
لیدا هاتقی‌راد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۲۵

معاشرت‌های دختر و پسر در دوران پیش از ازدواج، یکی از پدیده‌های پیچیده در جامعه کنونی است که تحت تأثیر فرهنگ و مذهب و عرف جامعه مدام در حال کنترل و محدودسازی است. در برخی موارد این روابط می‌تواند آسیب‌های زیادی به بار آورد و جوانان و جامعه را تحت تأثیرات منفی خود قرار دهد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر یا به بیان دیگر، بررسی نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در بین جوانان شهر یزد انجام گرفته است. روش مورد استفاده در این تحقیق، از نوع پیمایشی می‌باشد. داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از ۲۴۶ نفر از جوانان شهر یزد گردآوری شده است. اعتبار ابزار به وسیله روش اعتبار محتوا مورد تأیید قرار گرفت و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. در پژوهش حاضر آسیب‌های ناشی از روابط دو جنس مخالف در شش گروه آسیب‌های روانی-عاطفی، آسیب به زندگی مشترک آینده، آسیب‌های اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و جسمی مورد نگرش سنجی قرار گرفتند. با توجه به نتایج به دست آمده بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی (-۰/۲۳۸)، سن (-۰/۲۵۰) و میزان تحصیلات (-۰/۲۶۶) نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر رابطه‌ای منفی و معنادار وجود داشت. همچنین، بین نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر به تفکیک جنس، وضعیت اشتغال و تجربه دوستی با جنس مخالف تفاوتی معنادار برقرار بود ( $P < ۰/۰۵$ ).

واژگان کلیدی: آسیب، روابط، دختر و پسر، جوانان و یزد

۱. این مقاله مستخرج از پژوهشی است که با حمایت اداره کل ورزش و جوانان استان یزد انجام شده است.

۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۳. کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و در زندگی اجتماعی، ارتباط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برقراری ارتباط به شکل موثر و یا ضعیف، بخش اصلی زندگی ما را تشکیل می‌دهد و همه فعالیت‌های ما نوعی ارتباط محسوب می‌گردد. مطالعات بیانگر آن است که مردم به طور متوسط ۷۰ درصد از اوقات خود را صرف ارتباط با دیگران می‌کنند و قسمت اعظم رفتار آن‌ها تحت عنوان رفتار ارتباطی است (روشن نیا، ۱۳۹۵: ۴۳).

رابطه پیش از ازدواج، یکی از پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی است که در سال‌های اخیر صورت گسترده‌ای در جامعه پیدا کرده است. پدیده مذکور در دهه‌های گذشته (قبل از انقلاب) صرفاً میان طبقات بالای شهر، آن هم در شهرهای بزرگ به طور محدود دیده می‌شد، اما با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأکید بر ارزش‌های اسلامی چنین روابطی نفی گردید. در اوایل دهه هفتاد همراه با دگرگونی‌های ساختی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، مشارکت زنان در اجتماع و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده به شکلی نو از بطن تعامل اجتماعی جوانان مجدداً پدیدار شد (موحد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

به طور کلی، رفتارهای ارتباطی با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد. گاهی هدف آن، عقلانی و در جست‌وجوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف است و گاهی بر مبنای ارزش و سنتی است که علت دوام و استمرار آن وجه اعتقادی و سنتی آن است. همچنین در برخی موارد این رفتارها عاطفی است که شامل دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی است و این رابطه عاطفی و دوستی، در ارتباط با جنس مخالف شرایط متفاوتی را به وجود می‌آورد. زمانی که این ارتباط پیش از ازدواج برقرار می‌شود ممکن است چندین هدف مختلف را داشته باشد یا برحسب شرایط و انگیزه‌ها، نوع شخصیت و جنسیت افراد نیازهای متفاوتی را تعقیب نماید (زارع شاه‌آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

«منظور از معاشرت و دوستی دختر و پسر در این مطالعه، گستره‌ای از روابط میان دو جنس مخالف، پیش از ازدواج و بدون محرمیت است که با انگیزه‌های مختلفی مانند صمیمیت، رفاقت، دلبستگی، فعالیت جنسی، تعهد، مراقبت و مبادله طرفین شکل می‌گیرد و در قالب دوستی و قرارهای عاشقانه به منظور ازدواج، دوستی‌های خیابانی، هم‌خانگی و شکل‌های دیگر تداوم می‌یابد» (موحد و دیگران، ۱۳۸۵).

آنچه نسل امروز ما را دچار نوعی سرگردانی و پریشانی می‌کند، از یک سو زندگی در جامعه اسلامی و آمیخته با فرهنگ و رسوم ایرانی است که قدمتی کهن دارد و از سوی دیگر، رویارویی با مسئله ارتباط تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است که ملل مختلف را به گونه‌ای شگرف به یکدیگر نزدیک می‌سازد. نسل امروز ما باید قادر باشد از طرفی بین عرف، نگرش‌های سنتی و دیرینه جامعه، ارزش‌های دینی و مذهبی و حتی شرایط خانواده‌ای که در آن پرورش یافته است و از طرف دیگر، با افکار و گرایش‌های جدیدی که خاص ذهن پویای او و نشأت گرفته از پیچیدگی‌های دنیای امروز است، هماهنگی ایجاد کند. بنابراین امروزه یکی از مسائلی که جوان ما را در تضاد و تنش قرار می‌دهد، چگونگی روابط دختر و پسر با توجه به گرایش‌های فرهنگی، مذهبی، عرفی، اجتماعی و خانوادگی او می‌باشد (جاودانی، ۱۳۸۶: ۸). بدیهی است که ارتباط نداشتن با جنس مخالف غیرممکن است. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان دلایل و فواید نظیر همراهی، معاشرت، افزایش منزلت اجتماعی و انتخاب همسر را برای برقراری ارتباط میان دختر و پسر مطرح کرده‌اند، اما در بسیاری از مواقع همین فوائد تبدیل به آسیب می‌شود و این مسئله به دلیل ناآگاهی و عدم اطلاع از چگونگی برخورد با

جنس مخالف و پیامدهای منفی ناشی از آن است.

به طور کلی آسیب‌های ناشی از روابط دختر و پسر عبارت‌اند از: آسیب‌های جسمی، روان‌شناختی یا عملکردی. از آسیب‌های جسمی می‌توان به انواع بیماری‌های مقاربتی و ضرب و شتم اشاره کرد. بارداری ناخواسته، خطر اضافه‌ای است که دختران متحمل می‌شوند. از آسیب‌های روانی و عاطفی می‌توان به از دست دادن اعتماد به نفس، افسردگی، اضطراب، بدبینی، احساس تنهایی، اشتغالات ذهنی و نشخوارهای فکری در رابطه شکست خورده اشاره کرد. از جمله آسیب‌های عملکردی نیز افت تحصیلی و شغلی و ایجاد اختلاف در بستر خانواده می‌باشد (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۰۲).

بنابراین شناخت آسیب‌های رابطه با جنس مخالف و آموزش ارتباطات و آگاهی دادن به جوانان، به منظور تصمیمات آگاهانه از جانب فرد برای زندگی مستقل، سالم و مطمئن ضروری است و می‌تواند جوانان را در یافتن مسیر صحیح در روابط خود راهنمایی کند. از این رو، با توجه به اهمیت مقوله روابط دختر و پسر و گسترش هرچه بیشتر این روابط در جامع امروزی و همچنین ویژگی‌های فرهنگی جامعه شهری یزد پژوهش حاضر در صدد است به بررسی نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در میان جوانان شهر یزد بپردازد.

### پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌هایی که در مورد روابط دختر و پسر در ایران انجام گرفته است و ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارد، نتایج بررسی وثوقی و دائمی (۱۳۸۴) نشان داد که متغیرهای درجه دینداری والدین، رسانه‌های داخلی، گرایش به فرهنگ غرب، نیاز والدین به ازدواج موفق فرزندان و نوع جنسیت فرزند، دارای روابط معناداری با متغیر وابسته هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش موحد، عنایت و عباسی شوازی (۱۳۸۵) تفکیک نتایج بر حسب جنسیت، حاکی از نگرش بسیار منفی تر دختران دانشجو به نسبت نگرش پسران می‌باشد. یافته‌های صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) نشان داد که هرچه سطح تحصیلات والدین و مرتبه شغلی آن‌ها بیش تر شود، نگرش آنان به رابطه دختران با جنس مخالف مثبت تر شده و مخالفت آنان با رابطه دختران با جنس مخالف کم تر می‌شود. متغیرهای سن و امکانات رفاهی خانواده نیز با نگرش مثبت والدین به این گونه روابط، ارتباط فراوانی دارد. نتایج بررسی زارع شاه آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) نشان داد که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان به روابط پیش از ازدواج نگرش مثبت داشته و ۲۲/۵ درصد از پاسخگویان با جنس مخالف رابطه نداشته‌اند. همچنین گرایش به رابطه پیش از ازدواج با درآمد خانواده، تحصیلات پدر و سن فرد رابطه مستقیم دارد. بر اساس یافته‌های رفاهی، گودرزی و میرزایی چهارراهی (۱۳۹۱) رابطه معناداری بین عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج با متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل وجود ندارد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش روشن نیا (۱۳۹۵) تمایل مردان به برقراری دوستی و معاشرت با جنس مخالف در مقایسه با زنان بیشتر بوده است. از میان پژوهش‌های خارجی انجام شده در مورد روابط دو جنس مخالف، پژوهش بلسک و باس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نشان داد که انگیزه مردان برای آشنایی و شروع چنین روابطی، تمایلات جنسی است؛ اما زنان بیش تر با انگیزه به دست آوردن حمایت و مراقبت فیزیکی برای خودشان، به دنبال چنین روابطی هستند. هوارد و وانگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در بررسی خود به این نتیجه دست یافتند که ارائه آموزش

1. Blesk & Buss

2. Howard & Wang

مهارت زندگی در حیطه مدیریت رابطه با جنس مخالف باعث کاهش خطر حاملگی و افزایش ابراز وجود در مقابل جنس مخالف و نگرش مثبت‌تر به ازدواج می‌شود. همچنین کربشنا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نتیجه گرفتند که موقعیت‌های اجتماعی، نبود آموزش درباره آسیب رابطه با غیرهمجنس و رفتارهای پرخطر جنسی، تصویری از رابطه جنسی و اجبار جنسی در بین پسران خیابانی به وجود می‌آورد. همچنین پژوهش ویتنی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که فضای مجازی، محیط منحصر به فردی را برای افراد به منظور یادگیری و تجربه در مورد روابط و تمایلات جنسی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و همچنین به بررسی خصوصیات افراد، مقدار زمان مصرف شده در دوستی‌های آنلاین، طول مدت ارتباط و تأثیر گذاری این ارتباط بر فعالیت‌های آفلاین افراد می‌پردازد. با عنایت به پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که مسئله روابط دختر و پسر در کشورهای خارجی نسبت به کشور ما بسیار زودتر آغاز شده است و شکلی متفاوت به خود گرفته است و بحث از روابط دختر و پسر و آسیب‌های این نوع روابط بیش از هر چیز حول محور روابط جنسی، آسیب‌ها و آموزش‌های جنسی می‌باشد.

### مبانی نظری پژوهش

از میان نظریات موجود در زمینه روابط دختر و پسر، «نظریه تحولی» در پی فهم و توضیح تحولات و تغییراتی است که در طول زمان در رابطه‌ها رخ می‌دهد و با استفاده از این تحولات شکل و چستی دوستی را توضیح می‌دهد. لوینگر و همکارانش از نظریه پردازان تحولی در تئوری خود به نام «ای بی سی دی ای» نظریه‌ای چند مرحله‌ای درباره شکل‌گیری ارتباطات مطرح می‌کنند. در مراحل اولیه، افراد یکدیگر را در مجموعه‌های طبیعی یا گروه‌های اجتماعی و گاه گذرا ملاقات و کم‌کم از وجود یکدیگر آگاهی پیدا می‌کنند، اما تعامل خاصی با هم ندارند. در واقع، یکدیگر را در موقعیت‌های گذرا ملاقات می‌کنند، اما تعاملات خلاصه و اطلاعات حاشیه‌ای است. اگر به یکدیگر کشش پیدا کنند، ارتباطات به سمت صمیمیت پیش می‌رود. دو نفر به تدریج اطلاعات و احساسات خود را برای یکدیگر افشا می‌کنند و تعاملات از حداقل به سمت حداکثر پیش می‌رود. در دوره جوانی و نوجوانی، فرد در آغاز راه برای انتخاب زوج قرار دارد. در این سنین همچنین فرد با وظایفی از دوران جوانی مانند تحقق حس خود، کسب هویت جدایی از خانواده، والدین و دیگر بزرگسالان رو به رو است (شاد، ۱۳۹۵: ۴). جوانان در این سنین به عشق و رابطه جنسی به گونه‌ای تخیلی می‌نگرند. زمانی که روابط دو طرفه و عشق با سائق جنسی جفت می‌شود، زنگ خطر به صدا در می‌آید و خطرهای حاصل از ارتباط نیز افزایش می‌یابد (وودی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷). بنابراین زمانی که روابط میان دو جنس با احساسات و عواطف درگیر شد می‌تواند آسیب‌های زیادی به دنبال داشته باشد به ویژه برای دختران که از احساسات و عواطف بیشتری برخوردار هستند و در برقراری ارتباط با جنس مخالف بیشتر آسیب پذیر می‌باشند. همچنین بر اساس نظریه مبادله اجتماعی و انصاف، سود باید بر هزینه بچربد تا فرد از رابطه اش راضی باشد. براساس این نگاه، رضایت ما در یک رابطه بستگی دارد به این که بازده تا چه حد از سطح مقایسه ما فراتر رود. راسبالت<sup>۴</sup> از متفکران این نظریه گفته است که اندازه سرمایه‌گذاری‌های ما در یک رابطه (زمان، پول و انرژی عاطفی) عامل تعیین‌کننده در تعهدمان به آن

1. Ramakrishna et al  
2. Whitty  
3. Woody  
4. Rusbult

رابطه است؛ هر چه سرمایه گذاری بیش تری کرده باشیم، تعهد بیشتری هم خواهیم داشت. اما «نظریه انصاف» هم رساندن بیش ترین سود و متحمل شدن کمترین هزینه را مفروض می گیرد، اما فرض دومی که وارد می کند این است که در هر رابطه دوستانه ای، نسبت سود و هزینه ما باید با نسبت سود و هزینه طرف مقابلمان برابری کند. در این حالت، رابطه ای منصفانه شکل می گیرد که موجب رضایت از رابطه با دوستان می شود. رابطه های بد دقیقا از آنجا ناشی می شود که ما - یا طرف مقابل - گمان می کنیم بازده حاصل شده برای یک طرف بیشتر شده است و همین موضوع یکی از عواملی است که باعث می شود در برخی موارد دختران آسیب های بیشتری را در روابط متحمل شوند؛ از جمله آسیب های عاطفی - روانی، آسیب های جسمی و غیره (روزنامه جام جم، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه تغییرات در روابط به ویژه ارتباطات دو جنس مخالف، نتیجه تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که در عصر حاضر روی داده، از جمله نظریاتی که می تواند تغییرات دنیای مدرن از جمله تغییر در ارتباطات و معاشرت ها را تبیین کند، «نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی» رونالد اینگلهارت است که به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش ها و نگرش های جوامع است. وی درباره تغییر فرهنگ ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط شان نشان می دهد و این رهیافت در بلند مدت دگرگونی های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی را تبیین میکند. بنابر تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل گیری شخصیت شان (پیش از بلوغ)، دارای امنیت سازنده بوده اند؛ یعنی دارای امنیت اقتصادی و جانی. این افراد کسانی هستند که اولویت های ارزشی شان فرامادی گرایانه است، چرا که آن ها از امنیت مادی و جانی برخوردار می باشند و یک دسته نیازهای دیگری برای آن ها مطرح می شود - نیازهایی چون خودشکوفایی، عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند. آن ها کسانی هستند که به انتخاب انسانی اهمیت بسیار زیادی می دهند، ولی مادی گرایان افرادی هستند که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده - ناشی از دوران شکل گیری شخصیت شان و وضعیت اقتصادی فعلی - دارای اولویت های مادی گرایانه هستند. اینان بیش تر بر امنیت اقتصادی و جانی تأکید می کنند (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱). همین امر منجر به جهت گیری های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می شود و نگرش های آن ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و غیره متفاوت می کند. به منزله یک تعمیم گسترده، می توان اظهار داشت مادیون بسیار بیش تر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می کنند (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۲۲۲) و کمتر به دنبال تغییرات ارزشی میباشند.

### فرضیه های پژوهش

۱. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر رابطه منفی وجود دارد.
۲. بین سن و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین میزان تحصیلات و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر رابطه وجود دارد.
۴. بین نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر در میان دختران و پسران تفاوت وجود دارد.
۵. بین نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر در میان جوانان شاغل و غیرشاغل تفاوت وجود دارد.
۶. بین نگرش به آسیب های دختر و پسر بر حسب تجربه دوستی با جنس مخالف تفاوت وجود دارد.
۷. بین نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر در ابعاد مختلف، تفاوت وجود دارد.

## روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر که با هدف آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر از دید جوانان شهر یزد انجام گرفته، از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر یزد بودند که تعداد کل آنها ۱۵۱۹۲۷ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به واریانس به دست آمده از پیش‌آزمون و با اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۲۴۶ نفر محاسبه شده است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید؛ بدین صورت که ابتدا پنج منطقه شهرداری یزد به‌عنوان پنج خوشه اصلی در نظر گرفته شد و در مرحله بعد، از هر منطقه، سه خیابان انتخاب شدند و در هر خیابان، چهار بلوک مشخص گردید. در مرحله آخر به روش تصادفی سیستماتیک، منازل انتخاب شدند. در صورتی که هر کدام از خانوارهای انتخابی، فردی با مشخصات مورد نیاز حضور نداشت، خانه‌های مجاور جایگزین می‌شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است که جهت سنجش متغیر نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر از ۲۲ گویه استفاده گردید و پس از ارائه هر یک از سؤالات، گزینه‌های جواب در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» قرار گرفت. این پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در تحقیق حاضر جهت افزایش درجه اعتبار از اعتبار محتوایی استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار ۶ نفر از اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نقطه نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد و پایایی گویه‌ها از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد که میزان آلفای کرونباخ برای سازه اصلی پژوهش یعنی نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر ۰/۸۴ بود. همچنین میزان آلفا برای ابعاد مختلف بدین صورت بوده است: آسیب روانی-عاطفی ۰/۷۲، آسیب به زندگی مشترک آینده ۰/۷۱، آسیب اجتماعی ۰/۷۶، آسیب تحصیلی ۰/۷۴، آسیب خانوادگی ۰/۷۳ و آسیب جسمی ۰/۷۵ که همگی حکایت از همبستگی درونی گویه‌ها و مطلوبیت پایایی ابزار دارد. سپس اطلاعات جمع‌آوری شده با کمک نرم‌افزار SPSS با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون T مورد سنجش و تحلیل قرار گرفتند.

## یافته‌های پژوهش

### اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش

از مجموع ۲۴۶ نفر پاسخگوی این پژوهش که همه آن‌ها جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر یزد می‌باشند، میانگین سن پاسخگویان ۲۰/۵۰ و حداقل سن پاسخگویان ۱۵ و حداکثر سن ۲۹ بوده است. از نظر جنسیت، ۵۲/۴ درصد زن و ۴۷/۶ درصد مرد می‌باشند. به لحاظ وضعیت تأهل، ۸۱/۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۸/۳ درصد آن‌ها متأهل بوده‌اند. از نظر محل سکونت، ۹۴/۳ درصد از پاسخگویان در شهر و ۵/۷ درصد در روستا ساکن می‌باشند. میانگین تعداد سال‌های تحصیل پاسخگویان ۱۴/۰۷ (معادل فوق‌دیپلم) با انحراف معیار ۳/۵۰۵ و دامنه تغییرات ۱۶ است که حداقل ۵ و حداکثر آن ۲۱ می‌باشد. از نظر شغلی، ۷/۷ درصد از پاسخگویان کارمند، ۸/۹ درصد دارای شغل آزاد، ۶/۵ درصد کارگر و مابقی ۷۲/۸ درصد محصل و دانشجو و ۴/۱ درصد بیکار بوده‌اند. از نظر وضعیت درآمد، ۳/۳ درصد از کل پاسخگویان، در گروه درآمدی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۱۰/۶ درصد در گروه درآمدی بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۲۴/۰ درصد در گروه درآمدی

بین ۶۰۱ تا یک میلیون تومان، ۲۸/۵ درصد در گروه درآمدی يك ميليون تا يك و نیم میلیون تومان و ۳۳/۷ درصد آن‌ها در گروه درآمدی بیش تر از یک و نیم میلیون تومان در ماه قرار داشتند. به لحاظ وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی، ۵۵/۳ درصد پاسخگویان در رده متوسط، ۲۰/۷ درصد در رده پایین و ۲۴ درصد در رده بالا قرار گرفته‌اند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد ۵۰ درصد از پاسخگویان تجربه دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند و ۵۰ درصد تاکنون این نوع از روابط را تجربه نکرده بودند.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره	امتیاز نظری
آسیب روانی - عاطفی	۱۵/۶۶	۴/۲۶۸	۲۰	۵	۲۵	۵-۲۵
آسیب به زندگی مشترک آینده	۱۳/۵۷	۳/۶۵۲	۱۶	۴	۲۰	۴-۲۰
آسیب اجتماعی	۸/۶۵	۳/۲۳۹	۱۲	۳	۱۵	۳-۱۵
آسیب تحصیلی	۱۰/۳۳	۲/۸۲۴	۱۲	۳	۱۵	۳-۱۵
آسیب خانوادگی	۱۳/۶۸	۳/۷۰۲	۱۶	۴	۲۰	۴-۲۰
آسیب جسمی	۱۰/۹۸	۳/۱۲۳	۱۲	۳	۱۵	۳-۱۵
آسیب‌های روابط دختر و پسر	۷۲/۹۰	۱۷/۱۲۲	۷۹	۲۹	۱۰۸	۲۲-۱۱۰

آماره‌های توصیفی در جدول ۱ نشان می‌دهد آسیب‌های ناشی از روابط دختر و پسر در پژوهش حاضر در ۶ بعد مجزا سنجیده شده است. در حالت کلی، میانگین نگرش به آسیب‌های ناشی از روابط دختر و پسر بیش تر از حد متوسط است، این در حالی است که در بین ابعاد مختلف آسیب‌ها میانگین بعد روانی - عاطفی، آسیب به زندگی مشترک آینده، تحصیلی، خانوادگی و جسمی بالاتر از حد متوسط و فقط بعد اجتماعی کمتر از متوسط می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که از دید جوانان شهر یزد در بین انواع مختلف آسیب‌های ناشی از رابطه با جنس مخالف، آسیبی که کمتر از همه جوانان را درگیر می‌سازد آسیب‌های اجتماعی می‌باشد، چرا که برقراری ارتباطات چه با همجنس و چه با غیرهمجنس تا حدی موجب ارتقای فرد از نظر روابط اجتماعی می‌شود و در این زمینه آسیب‌های کمتری به بار می‌آورد. در حالی که بر اساس نگرش نمونه مورد مطالعه این پژوهش رابطه با جنس مخالف به میزان زیادی با اختلالات روانی و عاطفی، مشکلات تحصیلی، درگیری‌های خانوادگی و آسیب‌های جسمی و جنسی رابطه دارد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ابعاد مختلف نگرش به آسیب

ابعاد	روانی-عاطفی	زندگی مشترک آینده	اجتماعی	تحصیلی	خانوادگی	جسمی	نگرش به آسیب‌ها (شاخص کل)
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۲۵۶	-۰/۰۹۸	-۰/۲۲۹	-۰/۱۲۳	-۰/۲۳۹	-۰/۲۰۵	-۰/۲۳۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰

چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون پیرسون  $-۰/۲۳۸$  می‌باشد که حکایت از وجود همبستگی منفی و معنادار بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر دارد؛ بدین معنی که هرچه افراد پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری داشته باشد، نگرش مثبت‌تری به روابط میان دختر و پسر دارند و آسیب‌های روابط دو جنس مخالف را کمتر می‌دانند. از طرفی، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تمامی ابعاد نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر به جز بعد آسیب به زندگی مشترک آینده رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه اول مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر تأیید می‌شود.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیر سن و ابعاد مختلف نگرش به آسیب

ابعاد	روانی-عاطفی	زندگی مشترک آینده	اجتماعی	تحصیلی	خانوادگی	جسمی	نگرش به آسیب‌ها (شاخص کل)
سن	-۰/۲۵۸	-۰/۲۳۲	-۰/۲۱۵	-۰/۱۷۹	-۰/۱۶۹	-۰/۱۷۴	-۰/۲۵۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰

چنان که جدول ۳ نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون پیرسون  $-۰/۲۵۰$  می‌باشد که حکایت از وجود همبستگی منفی و معنادار بین متغیر سن و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر دارد؛ بدین معنی که هرچه سن جوانان بیش‌تر باشد، آسیب‌های روابط دختر و پسر را کمتر می‌دانند و نگرش مثبت‌تری نسبت به روابط دختر و پسر پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، بین سن و تمامی ابعاد نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد که این امر نشان می‌دهد متغیر سن بر نگرش نسبت به تمامی ابعاد آسیب‌های روابط شامل ابعاد روانی - عاطفی، آسیب به زندگی مشترک آینده، اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و جسمی



تأثیرگذار می باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری به دست آمده، یافته های پژوهش حاضر از فرضیه دوم مبنی بر وجود همبستگی معنادار سن و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر حمایت می کند.

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین متغیر میزان تحصیلات و ابعاد مختلف نگرش به آسیب

ابعاد	روائی- عاطفی	زندگی مشترک آینده	اجتماعی	تحصیلی	خانوادگی	جسمی	نگرش به آسیب ها (شاخص کل)
میزان تحصیلات	ضریب پیرسون	-۰/۲۳۶	-۰/۱۷۴	-۰/۲۷۲	-۰/۱۴۱	-۰/۲۵۷	-۰/۲۶۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

چنان که در جدول ۴ مشاهده می گردد، سطح معناداری آزمون پیرسون  $0/266$  - می باشد که حکایت از وجود همبستگی منفی و معنادار بین متغیر میزان تحصیلات و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر دارد؛ بدین معنی که هرچه میزان تحصیلات فرد بالاتر باشد، نگرش مثبت تری به روابط میان دختر و پسر دارد و آسیب های روابط دو جنس مخالف را کمتر می داند. از طرفی بین میزان تحصیلات و تمامی ابعاد نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر نیز رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. این امر نشان می دهد تحصیلات بر نگرش افراد بر تمامی ابعاد آسیب های روابط دختر و پسر تأثیر می گذارد. به طور کلی، شواهد تحقیق دال بر تأیید فرضیه سوم مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین میزان تحصیلات و نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر است.

جدول ۵: خروجی آزمون تی جهت مقایسه نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر بر حسب متغیرهای زمینه ای

متغیر	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر	دختر	۷۷/۹۶	۱۵/۶۷۳	۲۴۳	۵/۱۲۳	۰/۰۰۰
	پسر	۶۷/۲۸	۱۶/۹۶۹			
نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر	غیر شاغل	۷۴/۶۸	۱۷/۸۳۵	-۳/۰۴۰	۲۴۳	۰/۰۰۳
	شاغل	۶۶/۸۹	۱۶/۵۳۷			
نگرش به آسیب های روابط دختر و پسر	داشتن تجربه	۶۵/۸۹	۱۶/۸۸۰	-۷/۰۴۴	۲۴۳	۰/۰۰۰
	نداشتن تجربه	۷۹/۹۷	۱۴/۲۶۹			

همان‌طور که نتایج آزمون تی مستقل و یافته‌های نمایش داده شده در جدول ۵ نشان می‌دهد، بین میانگین نگرش به آسیب‌های روابط دو جنس در بین دختران و پسران جوان یزد تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین صورت که دختران (با میانگین ۷۷/۹۶) آسیب‌های روابط بین دو جنس را بیش‌تر از پسران (با میانگین ۶۷/۲۸) می‌دانند. بین میانگین نگرش به آسیب‌های روابط بین دو جنس در بین دختران و پسران جوان یزد نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین صورت که افراد غیرشاغل آسیب‌های این نوع از روابط را بیش‌تر از افراد شاغل می‌پندارند و نگرش منفی‌تری نسبت به روابط بین دختر و پسر دارند. همچنین بین میانگین نگرش به آسیب‌های روابط بین دو جنس در بین افرادی که تجربه رابطه دوستی با جنس مخالف را دارند و افرادی که رابطه با جنس مخالف را تجربه نکرده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین صورت که افراد دارای تجربه دوستی، آسیب‌های این نوع روابط را کمتر می‌دانند و از نگرش مثبت‌تری در این زمینه برخوردارند.

جدول ۶: خروجی آزمون فریدمن برای مقایسه نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در ابعاد مختلف

میانگین رتبه	ابعاد	
۲/۹۲	روانی	
۳/۷۲	زندگی مشترک آینده	
۲/۲۹	اجتماعی	
۳/۹۹	تحصیلی	
۳/۸۲	خانوادگی	
۴/۲۵	جسمی	
Chi-Square = ۲۰۴/۹۲۵	df = ۵	Sig = ۰/۰۰۰

اطلاعات جدول فوق بیانگر این است که بین نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در ابعاد مختلف، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < ۰/۰۰۱$ )؛ به طوری که جوانان بیشترین آسیب روابط دختر و پسر را در حوزه جسمی (۴/۲۵) و کمترین آسیب روابط دختر و پسر را در حوزه اجتماعی (۲/۲۹) می‌دانند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در پی بررسی عوامل موثر بر نگرش جوانان به آسیب‌های روابط دختر و پسر شامل آسیب‌های روانی - عاطفی، آسیب به زندگی مشترک آینده، آسیب‌های اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و جسمی بود. بررسی‌ها نشان داد که فرضیه اول تحقیق مبنی بر رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر مورد تأیید قرار گرفت و نتایج نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) و زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) به نوعی همخوانی دارد. همچنین با توجه به نظریات و بلن، نگرش از پایگاه اجتماعی شخص سرچشمه می‌گیرد بنابراین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد به منزله سنجش اجتماعی حاوی هنجارها و ارزش‌هایی است که شخص ناگزیر

است هنگام اخذ نگرش آن‌ها را رعایت کند (وثوقی و دائمی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). این نتیجه به نوعی با فرضیه کیمیایی «نظریه تغییر ارزشی و نگرشی» اینگلهارت سازگاری دارد؛ بدین صورت که بنابر تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان (پیش از بلوغ)، دارای امنیت سازنده بوده‌اند - یعنی دارای امنیت اقتصادی و جانی. این افراد کسانی هستند که اولویت‌های ارزشی‌شان فرامادی‌گرایانه است و یک دسته نیازهای دیگری برای آن‌ها مطرح می‌شود. نیازهایی چون: خودشکوفایی، عشق و دل‌بستگی که نیازهای سطح بالا هستند، ولی مادی‌گرایان افرادی هستند دارای اولویت‌های مادی‌گرایانه هستند و بیش‌تر بر امنیت اقتصادی و جانی تأکید می‌کنند (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱). همین امر منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و غیره متفاوت می‌کند. به منزله یک تعمیم گسترده، می‌توان اظهار داشت مادیون بسیار بیش‌تر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند و کمتر به دنبال تغییرات ارزشی می‌باشند (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۲۲۲). بنابراین نگرش به آسیب‌ها نیز در بین این دو گروه متفاوت است.

نتایج تحقیق در مورد آزمون فرضیه دوم مبنی بر رابطه سن و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر نیز در جهت تأیید این فرضیه عمل‌نموده است و نتایج نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه با نتایج زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) و صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) مبنی بر رابطه مستقیم و معنادار سن با گرایش به رابطه پیش از ازدواج و همچنین نگرش والدین به این روابط، بنابراین هر چه سن جوانان بالاتر رود، گرایش بیش‌تری به برقراری رابطه با جنس مخالف دارند و آسیب‌های روابط دختر و پسر را کمتر می‌دانند.

فرضیه سوم مبنی بر رابطه میزان تحصیلات و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر مورد تأیید قرار گرفت و رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار گردید. این نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات و ارتقای جایگاه اجتماعی، افراد آسیب‌های برقراری رابطه با جنس مخالف را کمتر می‌دانند. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات، رابطه دوستی با غیرهم‌جنس به صورتی معنادار افزایش پیدا می‌کند و به تدریج ارزش‌های مدرن جایگزین ارزش‌های سنتی می‌شود و این تقابل، بخشی از موانع و محدودیت‌های هنجاری و ذهنی در برقراری رابطه با غیرهم‌جنس را مرتفع می‌کند، همخوانی دارد. از طرفی نتیجه به دست آمده در این پژوهش با نتایج بررسی زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) مبنی بر رابطه مستقیم تحصیلات پدر و مادر و گرایش به رابطه دختر و پسر به نوعی همخوانی دارد؛ به این معنی که خانواده‌هایی با تحصیلات بیشتر گرایش بیشتری به روابط دوستانه با جنس مخالف داشته‌اند و همین موضوع در مورد خود جوانان نیز صدق می‌کند.

نتیجه آزمون فرضیه چهارم مبنی بر تفاوت نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در میان دختران و پسران نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار میان این دو متغیر است. در واقع آزمون این فرضیه نشان می‌دهد نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در بین دختران و پسران جوان متفاوت است و دختران آسیب‌های رابطه با جنس مخالف را بیش‌تر از پسران می‌دانند و نسبت به برقراری این نوع روابط نگرش منفی‌تری دارند. با توجه شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه ما، دختران نسبت به پسران نگرانی بیشتری در روابط با جنس مخالف دارند و آسیب‌های این روابط را بیشتر ارزیابی می‌کنند. نتیجه این بررسی با یافته‌های پژوهش وثوقی و دائمی (۱۳۸۴)

در زمینه تأثیر جنسیت فرزند بر نگرش والدین نسبت به روابط میان دختران و پسران و همچنین پژوهش موحد، عنایت و عباسی شوازی (۱۳۸۵) مبنی بر نگرش بسیار منفی تر دختران دانشجو به نسبت نگرش پسران و پژوهش روشن نیا (۱۳۹۵) در مورد تمایل بیشتر مردان به برقراری دوستی و معاشرت با جنس مخالف در مقایسه با زنان همخوانی دارد. در مقابل، این نتیجه با یافته‌های پژوهش رفاهی، گودرزی و میرزایی چهارراهی (۱۳۹۱) در زمینه فقدان رابطه معنادار بین عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج با متغیر جنسیت ناسازگار است. پژوهش بلسک و باس (۲۰۰۱) نیز در زمینه تفاوت نگرش مردان و زنان در برقراری رابطه با جنس مخالف می‌تواند به نوعی با نتایج این فرضیه همسو باشد.

فرضیه پنجم مبنی بر تفاوت نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در میان جوانان شاغل و غیرشاغل می‌باشد که در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار گرفت. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد نگرش به آسیب‌های روابط میان دختر و پسر در میان جوانان شاغل و غیر شاغل متفاوت است؛ بدین صورت که افراد غیر شاغل آسیب‌های این نوع از روابط را بیش تر از افراد شاغل می‌پندارند و نگرش منفی تری نسبت به روابط بین دختر و پسر دارند. نتیجه این پژوهش با نتایج یافته‌های رفاهی، گودرزی و میرزایی چهارراهی (۱۳۹۱) مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج با وضعیت اشتغال ناسازگار است.

تفاوت نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر بر حسب داشتن یا نداشتن تجربه دوستی با جنس مخالف با عنوان فرضیه ششم تحقیق مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج آن بیانگر وجود تفاوت معنادار بین این دو متغیر می‌باشد و نشان می‌دهد افرادی که تجربه دوستی با جنس مخالف نداشته‌اند، آسیب‌های روابط دختر و پسر را بیش تر از افرادی می‌دانستند که تجربه رابطه دوستی با جنس مخالف داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت همین نگرش آن‌ها در زمینه رابطه با جنس مخالف و آسیب‌های این نوع از روابط، گرایش و تمایل آن‌ها را به برقراری رابطه کاهش داده است.

فرضیه هفتم مبنی بر تفاوت نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر در ابعاد مختلف آسیب‌ها می‌باشد که در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار گرفت. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد نگرش به آسیب‌های روابط میان دختر و پسر در ابعاد مختلف آسیب‌ها شامل بعد روانی - عاطفی، زندگی مشترک آینده، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و جسمی متفاوت است؛ به طوری که جوانان بیشترین آسیب روابط دختر و پسر را در حوزه جسمی (۴/۲۵) و کمترین آسیب روابط دختر و پسر را در حوزه اجتماعی (۲/۲۹) می‌دانند. نتیجه به دست آمده از بررسی این فرضیه با توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شهر یزد منطقی می‌نماید.

بنابر یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد با توجه به وجود رابطه بین سن و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر لازم است که کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه چگونگی برقراری ارتباط سالم با جنس مخالف از جانب سازمان‌هایی که به نوعی در زمینه نوجوانان و جوانان فعالیت دارند - نظیر ادارات کل ورزش و جوانان، امور فرهنگی شهرداری‌ها، صدا و سیما، کانون‌های پرورش فکری و دانشگاه‌ها و ... - در سطوح مختلف تحصیلی و در مناطق مختلفی از شهر و روستاها برگزار گردد. همچنین جلسات مشاوره و پرسش و پاسخ در زمینه روابط دختر و پسر با توجه به گروه‌های سنی مختلف در اماکن عمومی، نظیر پارک‌ها، نمایشگاه‌ها و غیره تشکیل شود و همایش‌ها و نشست‌های علمی - تخصصی با محوریت آسیب‌های جوانان از جمله معاشرت‌های دختر و پسر تشکیل گردد. ادارات مختلف نیز با چاپ

نشریات، بروشور، فصلنامه‌های علمی - پژوهشی و نصب بنرهای آموزشی فرهنگی با همکاری وزارت ورزش جوانان و شهرداری در زمینه آسیب‌های روابط دوجنس مخالف از ابعاد مختلف، ذهن افراد جامعه را با این پدیده و آسیب‌هایی که می‌تواند در پی داشته باشد آشنا کنند. همچنین با توجه به نقش تربیتی خانواده‌ها در هویت‌یابی جنسی کودکان، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای والدین جهت آگاه‌سازی و توجیه‌سازی آن‌ها در زمینه نحوه برخورد مناسب با کودکان و نوجوانان در سنین مختلف و آموزش راه‌های ایجاد آمادگی در آن‌ها جهت ورود به جامعه و برقراری ارتباطات اجتماعی به ویژه با جنس مخالف از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین با توجه به تفاوت نگرش دختران و پسران در مورد آسیب‌های روابط دختر و پسر لازم است با ارائه آموزش‌های لازم به دختران در جهت افزایش شناخت و عزت نفس آن‌ها اقدام نمود.

با توجه به وجود رابطه بین تجربه دوستی با جنس مخالف و نگرش به آسیب‌های روابط دختر و پسر، انجام پژوهش‌های کیفی و مصاحبه با افرادی که تجربیات زیادی در دوستی با جنس مخالف دارند جهت دستیابی به اطلاعاتی ارزشمند و واقعی در زمینه اهداف و علل برقراری رابطه، نکات مثبت و منفی برقراری رابطه با جنس مخالف و غیره از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین انجام مطالعات تطبیقی آسیب‌های روابط دختر و پسر در شهرهای مختلف ایران با توجه به مقتضیات اجتماعی و فرهنگی هر شهر و بررسی علل بومی این روابط و همچنین انجام تحقیقات پل در این زمینه می‌تواند سودمند باشد.

منابع

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- جاودانی، نیاز. (۱۳۸۶). روابط دختر و پسر در جامعه امروز. تهران: کتاب درمانی
- رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود و میرزایی چهارراهی، مرتضی. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان». جامعه‌شناسی زنان. سال ۳: ۱۱۷-۱۳۳.
- روزنامه جام جم. (۱۳۹۲). «روانشناسی دوستی و عوامل شکل‌گیری آن». کد خبر: ۱۰۳۲۱۶۳۰۷۱۶۱۰۳۳۰۴۵۸.
- روشن‌نیا، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی دوستی و معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج». مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. دوره اول، شماره اول: ۵۱-۴۲.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکیه. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد». رفاه اجتماعی. سال ۱۲، شماره ۴۵، ۳۳۹-۳۶۴.
- شاد، فاطمه. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه پایگاه اجتماعی دانشجویان و برقراری ارتباط و دوستی با جنس مخالف». سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی گرجستان: ۱-۱۴.
- صالحی، عصمت و دیوبند، فایزه. (۱۳۸۹). «نگرش، شناخت و عملکرد والدین نسبت به شکل‌گیری نگرش دختران دبیرستانی درخصوص ارتباط دختر و پسر». طرح پژوهشی، سازمان جوانان استان یزد.
- موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران نسبت به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دوجنس پیش از ازدواج». مجله مطالعات زنان. ۴(۱): ۱-۳۴.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و عباسی شوازی، محمدتقی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره ۲۵، شماره ۲: ۱۴۷-۱۶۵.
- وثوقی، منصور و دائمی، اکرم. (۱۳۸۴). «عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوانان دختر و پسر در شهر تهران». نامه انسان‌شناسی. سال ۴، شماره ۷: ۱۶۱-۱۸۸.
- یوسفی، زهرا؛ عابدی، محمدرضا؛ نشاط دوست، حمید طاهر. (۱۳۸۶). «بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران». خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰: ۶۰۱-۶۰۹.
- Blesk, A. L. and Buss, D. M. (2001). "Opposite-Sex Friendship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution". Personality and Social Psychology Bulletin, 27: 1310-1323.
- Dupas, P. (2006). "Relative education and the Market for Sex: Teenagers, Sugar Daddies and HIV in Kenya". Journal of Adolescence, 152(4):183-191.

- Howard, D. & Wang, M.Q. (2003). “**Life skills training gender relation based in girls, Adolescence**”. Roslyn Heights, 138(5): 1-17.
- Inglehart, R., et al. (2004). **Human Beliefs and Values**. Buenos Aires, Argentina: SigloVeintiuno Editors.
- Ramakrishna, Iayashree, Karpott, Mani and Radha srinivasa Murthy. (2006). “**Experiences of sexual coercion among street boys in Bangalore**”. India. Available at: [www.who.int/](http://www.who.int/).
- Whitty, M.T. (2008). “**Liberating or debilitating? An examination of romantic relationships, sexual relationships and friendships on the Net**”. computers in Human Behavior, Vol. 24: 1837-1850.
- Woody, J. (1997). “**Emotions and motivations in first adolescent intercourse: an exploratory study based on object relations theory**”. The Canadian journal of Human Sexuality, 25: 24-35

*Archive of SID*